

## متن اولیه میزگرد نهادهای صنفی

ماهنامه: لطفاً برای شروع به تاریخچه‌ی قانون بانک‌ها قبل از انقلاب و بعد از آن بپردازید؛ چنانچه اطلاعاتی در خصوص ساختار و نحوه عملکرد این نهاد در قبل از انقلاب دارید، توضیح دهید و این که سیر تاریخی توسعه‌ی نهادهای صنفی در حوزه‌ی بانک چگونه بوده است؟

**دکتر عبده تبریزی:** متأسفانه نظام بانکداری قبل از انقلاب نسبت به نظام بانکداری که الان داریم از قدرت بسیار بالاتری برخوردار بود. یعنی اگر زمان را هم در نظر بگیریم، فاصله‌اش بسیار زیاد است، مثل فاصله‌ی امروز ما با یکی از کشورهای که پیشرفته‌ترین نظام بانکداری را دارد. البته مسائل فقهی موضوع دیگری است، بدیهی است فرق اساسی در بانکداری اسلامی وجود دارد، و بانکداری اسلامی ایران مدعی این است شرع را زیر پا نمی‌گذارد. اگر این تفاوت را کنار بگذاریم هم از نظر کیفیت و هم از نظر محصولات وضع در گذشته خیلی بهتر بود. چند مثال ذکر می‌کنم: اولاً در آن زمان تمام نهادهای پولی را داشتیم یعنی در مقطع تأسیس جمهوری اسلامی ایران، بانکداری ما در منطقه حدود ۳۰-۴۰ سال جلوتر از بقیه بود، یعنی ما هم بانک‌های مشترک با خارجیان داشتیم، هم بانک مرکزی داشتیم که بعضی از کشورهای اطراف ما در آن مقطع بانک مرکزی نداشتند هم بانک‌های خصوصی خارجی و مشترک داشتیم هم بانک‌های توسعه‌ای در چارچوب بخش خصوصی داشتیم. یعنی بانک توسعه‌ای داشتیم که در اختیار بخش خصوصی بود و دولت به آن اعتماد داشت، و در مقابل برای مثال رئیس مجلس سنا را رئیس هیأت‌مدیره آن بانک کرده بودند و این بانک طرح‌های توسعه‌ای کشور را در دست داشت. یعنی دولت به بخش خصوصی اعتماد می‌کرده است که طرح‌های توسعه‌ای کشور را انجام دهد. برای مثال، وقتی شرکت نفت می‌خواهد پالایشگاه بزند، به این بانک خصوصی مراجعه می‌کند و طرح احداث پالایشگاه در سه کشور دنیا را ارائه می‌دهد و از این بانک تأمین مالی آن را خواستار می‌شود و آن بانک هم در سطح دنیا آن منابع مالی را تأمین می‌کند. یا وقتی دولت ژاپن می‌خواهد برای اولین بار به این اوراق قرضه منتشر کند، یک بانک ایرانی را به عنوان لیدر انتخاب می‌کند، یعنی یک بانک ایرانی است که برای اولین بار اوراق این ژاپن را در خارج از آن کشور به فروش می‌رساند.

در آن زمان ما به لحاظ قدرت نظام پولی نقش بالایی داشتیم و نهادها و محصولات بانکی تنوع خوبی هم وجود داشت. ما هم بانک خرده‌فروش داشتیم، مثل بانک شبکه‌ای که الان داریم و هم بانک عمده‌فروش داشتیم، مثل بانک ایرانیان که تک شعبه بود و کارهای معاملاتی بین بانک‌ها را انجام می‌داد؛ هم بانک توسعه‌ای داشتیم و هم بانک تجاری. در بخش مسکن تمام عناصر را داشتیم. یعنی بانک رهنی (mortgage bank) مشابه بانک مسکن امروز داشتیم که من جوان را استخدام شده کرده بود تا به عنوان ویزیتور و به خانه‌ها مراجعه کنم و طرح گرفتن وام ۲۵ ساله را برای هر خانه توضیح داده و آنها را ترغیب به گرفتن این وام می‌کنم. الان با گذشت حدود ۴۰ سال از عمر جمهوری اسلامی، نمی‌توانیم وام ۲۵ ساله بدهیم. آن محصولی را که ما ۲۵ سال پیش به خانه‌ها می‌فروختیم، امروز نمی‌توانیم بدهیم. آن بانک یک بانک رهنی بود و در کنارش ما تمام اجزایی را داشتیم که بعدها یاد گرفتیم در رشته‌ی مالی می‌تواند شکل بگیرد. در حوزه‌ی تقویت و تحریک تقاضا شرکتی مثل بانک ساختمانی را داشتیم که تقریباً مانند ریتز (REITS) امروز است، هم در حوزه‌ی مؤسسات پس‌انداز و وام (savings and loan association) نهادهای مانند اکباتان و خزر را داشتیم که این‌ها را هنوز در جمهوری اسلامی نداریم. حتی ما merchant bank هم در گذشته داشتیم. از این نظر فکر می‌کنم بتوانیم بگوییم که نظام قدرتمندتری از وضعیت فعلی داشتیم. در حوزه‌ی بازار سرمایه هم اوضاع همین است. بورس ایران ۳۰ سال قبل از بورس‌های دیگر منطقه است شکل گرفته و تمام اسباب و نهادهای بورس را ۳۰ سال قبل از منطقه داشته است. در مجموع، بنیانی که تشکیل شده بود، بسیار قوی بوده و با پیروزی انقلاب، مکثی در حوزه‌ی پولی و مالی ایجاد شده است.

قبل از انقلاب کانون نهادهای صنفی هم وجود داشت که به نظر من نسبتاً قوی بوده است. در امور صنفی محدودیت‌هایی هم بوده و در آن زمان نیز تا حدی در کنترل دولتی‌ها بوده است. اما فکر می‌کنم کانون‌های آن روز ضعیف‌تر از کانون‌های امروز نبوده است، به هر حال شورای پول و اعتبار همان شورا است و در ترکیبش، بخش خصوصی هم شرکت می‌کرده است. بعد از انقلاب، نظام بانکی ما زیر سؤال رفت و مکثی ایجاد شد که در بازار سرمایه شدیدتر بود و تقریباً حدود ۱۰ سال بازار تعطیل بود. بازار پول چون نمی‌شد تعطیلش کرد، با یک تغییر دوباره آغاز به کار کرد، ولی تحت فشار فکری بود که نظامی ربوری است. ضعف مورد اشاره بدین معنا نیست که افرادی که بعد از انقلاب بانکداری می‌کنند، از دانش کمتری برخوردارند. بلکه باید گفت در فضایی بودند که محدودیت‌های محیطی بیشتری داشتند و این توسعه کندتر اتفاق افتاد.

تحریم‌های خارجی هم از اول انقلاب باعث شد که نظام بانکداری ما کمتر بین‌المللی باشد، بعد از تحریم‌های هسته‌ای هم خیلی بیشتر صدمه دیده، و فکر می‌کنم در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی اصلاحات خوبی رخ داد که در دوره آقای احمدی‌نژاد با اعطای مجوزهای بانکداری عجیب و غریبی، نظام بانکی دفعته‌بزرگ شد و کیفیت خود را از دست داد. زمانی که به دوره آقای احمدی‌نژاد نگاه می‌کنیم فقط رشد ما دو صنعت را می‌بینیم: یکی صنعت بانکداری که از نظر کمیت رشد کرد و دیگری هم صنعت ساختمان است؛ همه‌ی صنعت‌های دیگر کلاً تضعیف شدند، و از این نظر می‌توان این گونه بیان داشت که تحریم‌های بین‌المللی به طور جدی باعث شد صنعت بانکداری استانداردهای بین‌المللی‌اش را از دست بدهد.

**ماهنامه: انتخاب موضوع میزگرد بر این مبناست که نهادهای صنفی می‌توانند لنگر گاهی باشند که در واقع به بانک مرکزی کمک کنند هم در واقع نماینده پایین باشند در مقابل بانک مرکزی برای دفاع از منافع سایر بانک‌ها.**

**بهشتی روی:** جناب دکتر عبده توضیحات کاملی را از تنوع خدمات بانکی قبل از انقلاب ارائه دادند و من با تجربه شخصی که دارم می‌خواهم بگویم که در آن سال‌ها شاید ما در حد ۱۲ تا ۱۸ ماه بیشتر از خواهر خوانده‌های خودمان در آن طرف آب‌ها عقب‌ماندگی نداشتیم. به عنوان مثال در بانکی که من کار می‌کردم بانک تهران سابق در آذر ماه سال ۱۳۵۰ فعالیت خود را شروع کردم ما در سال ۱۳۵۲ سیستم batch processing را برای مکانیزه کردن حساب‌های جاری و پس‌انداز راه انداختیم و در آن زمان همه جای دیگر دنیا بر این اساس بود، از سال ۵۳ نرم‌افزاری با نام CICS را راه‌اندازی کرده بودند تا این نرم‌افزار بتواند ارتباط مستقیم را با کامپیوترها داشته باشد تا کار BATCH را انجام ندهند و در بانک تهران موفق شده بودند در شعبه مرکزی که هم بخش کامپیوتر آنجا بود و هم با کابل وصل می‌شد این کار را پیاده‌بازی کنند ولی در شعبه‌ی مثلاً چهارراه فلسطین که ۱۰۰ متر آن طرف‌تر بود به خاطر نبود communication ارتباط آنجا این سرویس قابل ارائه نبود. وقتی که من فرصتی را برای گذراندن دوره‌ای به خارج از کشور سفر کرده بودم در سال ۵۵ کاری را در بانکی شروع کردم در آنجا سومین شعبه‌ی آن‌ها بود که online real time را پیاده‌می‌کردند. ما عقب‌افتادگی‌مان در این بود که ما

batch processing را پیاده کرده بودیم و برای آنلاین برنامه‌ریزی شده بود اما آنجا مشکل ارتباط آن را راحت‌تر می‌توانستند حل بکنند به این درجه از موفقیت نائل شده بودند.

پس ما در آن دوره در جایگاه نسبتاً خوبی قرار داشتیم و دومین مسئله این که بانکداری در آن دوره پیچیدگی و تنوع مسائل امروز را نداشت کما اینکه همین امروز که ما داریم صحبت می‌کنیم بانکداری ۱۰ سال آینده هیچ شباهتی به بانکداری امروز نخواهد داشت و از این نظر آقای دکتر توضیحات دادند و من هم موافق هست نسبت به تنوع خدمات آن دوره که با پیشرفت جهانی هماهنگ بودیم. اما برگردم به سؤال مشخص شما این که آیا بانک‌ها یک نهاد صنفی داشتند یا خیر اول توضیح بدهم که نهاد صنفی در نظام بانکی بسیار متفاوت است با سایر نهادهای صنفی و سایر بنگاه‌های اقتصادی. یک فرق اساسی دارد که واحدهای صنفی دیگر برای مثال تولیدکنندگان رب گوجه فرنگی برای خودشان یک اتحادیه داشته باشند تولیدکنندگان کفش برای خودشان اتحادیه داشته باشند نگاه آنها آن اتحادیه با نگاهی که از یک بنگاه اقتصادی مثل بانک هست متفاوت است چرا که آنها آنجا یک regulator دیگری مثل بانک مرکزی بالای سرشان ندارند و دلیل اصلی آن این است که بانک‌ها با سرمایه خودشان نیست که کار می‌کنند بانک‌ها با شرایطی که ایجاد می‌کنند ممکن است با ۲۰ یا ۳۰ برابر و ما الان در حال حاضر بانک‌هایی داریم در کشور که ۵۰ برابر سرمایه‌شان از سپرده‌های مردم استفاده می‌کنند در بانک‌های دولتی عمدتاً وجود دارد بانک‌های خصوصی ۸ - ۹ برابر است تا واحدهای دیگر بیشتر ۲۳-۲۴ برابر هم است. از این بابت تفاوت‌هایی وجود دارد فرض کنید یکی از کارخانجات تولید رب از صحنه خارج می‌شود دیگران market share آن را می‌گیرند و علی‌رغم اینکه برای مقاصد خاصی دور هم جمع شده‌اند و ممکن است هماهنگی‌های هم انجام دهند برای مثال در مورد خرید گوجه فرنگی اینکه چگونه پیش‌بخرند شرایط بازار را چگونه ارزیابی کنند و چه برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشند. اما در سیستم بانکی اینجوری نیست اگر یک بانکی زمین بخورد دیگر بانک‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند و بحث دومینو افکت اینجا مطرح می‌شود و کل اقتصاد کشور را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و دچار مشکل می‌کند. لذا نهادهای صنفی در نظام بانکی بسیار گسترده و فراتر از نهادهای صنفی در مشاغل دیگر است.

ما قبل از انقلاب کاون بانک‌ها را داشتیم کانونی که طبق قانون ایجاد شده است در مقطعی هم می‌دانم که در شورای پول و اعتبار نماینده‌ای داشته است و حضور پیدا می‌کرده است. اما بنابر مطالعاتی که صورت گرفته اولاً در حوزه‌ی ارتقای نظام

بانکی فعالیت می کردند جز اهداف شان بوده است. پیشنهادهایی که از سوی بانک مرکزی اعلام می شد اینها نظر می دادند و رأی می دادند و بسیار هم لازم بود. بعد از انقلاب و بعد از ادغام شدن بانک ها و وجود قانون ملی شدن بانک ها که حدود ۳۳ یا ۳۶ بانک در مجموع داشتیم همانطور که آقای دکتر اشاره داشتند بانک های مشترک، توسعه ای، پس انداز و اعطای وام بودند همه ادغام شدند و تبدیل به ۸ بانک شدند و به موجب همان قوانین کانون بانک های قبل که به موجب قانون تأسیس شده بود به موجب مصوبات شورای انقلاب وقت لغو شد و دیگر آن کانون وجود نداشت. اما در عین حال گردانندگان و مدیران این سیستم نهاد دیگری را تأسیس کردند با نام شورای عالی بانک ها که این شورا بازوی اجرایی پیدا کرد به عنوان کمیسیون هماهنگی مدیران عامل بانک ها که شکل قانونی نداشت و وجود فیزیکی نداشت و فکر می کردند این ۸ بانک که همگی دولتی شده اند، برای تصمیمات رفاهی کارکنان شان تصمیماتی که می خواهند بگیرند با هم هماهنگ باشند چون از اوایل انقلاب همسان سازی و همگون سازی به نوعی یک هدف بوده است.

این کمیسیون هماهنگی مدیران عامل بانک ها وجود داشت و مسائل شان پیرامون مسائل رفاهی کارکنان شان می گشت که شباهتی با هم داشته باشند بعدها با تشکیل بانک های خصوصی از اوایل دهه ی ۸۰ یک مجموعه ای از ۴ بانکی که اول تأسیس شده بودند این ۴ بانک اوایل گردهم می آمدند و بعدها تصمیم گرفتند یک نهاد صنفی به ثبت برسانند و مجوزش هم از وزارت کار و امور اجتماعی بگیرند بعدها با اضافه شدن بانک های دیگر به تدریج بر اعضای آن نیز افزوده شد در جریان ثبت این کانون مسائل متعددی وجود داشت به خاطر بحث ها و مشکلاتی که با واحدهای صنفی وجود داشت نتوانستند پیش روی کنند و دوباره قرار بر این شد که نهادی تشکیل شود زیرمجموعه اتاق بازرگانی که آن هم موفق نشد و تا اینکه در حدود دو سال پیش کانون بانک های خصوصی یا بانک های غیردولتی ایران به عنوان یک موسسه ی غیرانتفاعی در سازمان ثبت شرکت ها ثبت شده و به مرور هم به اعضای آن اضافه شد تا امروز که حدود ۱۸ عضو دارد در خلال این مدت هم بحث خصوصی سازی بانک های دولتی هم مطرح بود ۴ بانک رفاه کارگران، صادرات، تجارت و ملت. این ها که خصوصی شدند و بحث چگونگی عضویشان در این کانون مطرح شد. این کانون وقتی درست شد برای خودش اساسنامه ای درست کرد. در اساسنامه اش نوشته بود بانک هایی که به موجب تشکیل بانک های غیردولتی تأسیس شده اند. بانک های ملت و تجارت و رفاه و صادرات واجد این کیفیت نبودند به اضافه ی اینکه ۴۰ درصد سهام دولتی دارند، آیا می تواند اینجا عضو باشند یا نباشند

اتفاق نظر وجود نداشت که در هر حال عضو نشدند. تا اینکه این بحث‌ها ادامه داشت مسائلی مانند نرخ سود مطرح بود با توجه به فرمایشات آقای عبده قبل از انقلاب بانک‌ها دارای قدرت بیشتری بودند بر همین منوال بانک‌های تجاری هم از استقلال بیشتری برخوردار بودند علی‌رغم اینکه بانکداری ساده بود بانک‌ها دارای اختیار بودند ضمن اینکه غیر از چند بانک توسعه‌ای که اشاره کردند در تامین مالی پروژه‌ها و گرفتن تسهیلات مالی برای پروژه‌ها از بانک‌های خارج که منحصر بانک توسعه صنعت و معدن بود بقیه این‌ها عموماً در حوزه‌ی کوتاه‌مدت کار می‌کردند برای سرمایه در گردش تسهیلات می‌دادند وام می‌دادند و خیلی هم پیشرفته بود آن سیستم بعد از انقلاب از زمانی که بانک مرکزی شروع کرد بسته‌های سیاستی نظارتی مطرح کرد مشکل‌هایی به وجود آورد برخی از نگاه‌ها در قانون عملیاتی بانکی بدون‌ریا که تصویب شده بود برای برخی از سرمایه‌گذاری‌ها تخصیص منابع بانک‌ها شرایطی را پیش‌بینی کرده بود مثلاً برای عقود مشارکتی و ... هیچ محدودیتی نداشت اتفاقاً بانک‌ها براساس وظایفی که قانون عملیاتی بانکی بدون‌ریا به آن‌ها محول کرده بایستی منابع سپرده‌گذاران را بایستی در جاهایی که بیشترین نرخ بازده را دارد سرمایه‌گذاری کند. در بعضی موارد حداقل‌ها تعیین شده بود، این بسته‌های سیاستی نظاتی ادامه داشت و در دوره‌ی ریاست جمهوری بعدی این مسائل کلاً تغییر کرد به مرور بانک مرکزی از همان سال‌ها که شروع کرده بود فعالیتش را به عنوان سیاستگذار دولت شاید آن اختیارات پولی‌اش محدودتر شده بود به همین ترتیب بر وی سیستم بانکی هم این اثرگذاری را داشت تا جایی که اعلام این نرخ‌ها چه سود سپرده‌ها چه سود تسهیلات باعث شده بود که یک اعوجاجی در سیستم ایجاد شود اینجا بود که بین کمیسیون هماهنگی مدیران عامل بانک‌های دولتی و کانون اولین جلسه در بهمن یا اسفند سال ۹۲ با هم جلسه تشکیل دادند و آن‌ها تصمیم گرفتند با یکدیگر در مورد نرخ سودهایی که وجود دارد هماهنگ شوند و در ارتباط با دستوراتی که از بالا دیکته می‌شود. تا به حال تلاش بر سر این بود که این‌ها با یکدیگر ادغام شدند که زمینه‌ی ایجاد یک کانون بانک‌ها را با عضویت تمام بانک‌ها ایجاد کنند از آن سال‌ها ماهیانه یک جلسه برگزار می‌شود و سعی می‌شود مجموعه‌ای از هماهنگی‌ها صورت می‌گیرد مثلاً در مورد کارمزدهای بانکی نقطه نظرات مختلف وجود دارد بررسی می‌شود.

**ماهنامه: نگاه بانک مرکزی به نهادهای صنفی باید چگونه باشد؟**

**امین آزاد:** زمانی که بخواهیم روند توسعه‌ی نهادهای صنفی را دنبال کنیم باید روند توسعه‌ی بانکداری را مورد بررسی قرار دهیم. ما ابتدای بحث بانکداری را در دوره‌ی قاجاریه داریم که بانک‌های خارجی هستند مانند بانک‌های استقرایی و سایر که برخی از سیاست‌های مالی را در کشور ایران دنبال می‌کردند بنابراین معنایی نداشته که نهاد صنفی بخواد وجود داشته باشد دوره‌ی پهلوی اول اولین بانک‌های ایرانی تأسیس می‌شوند بانک ملی سپه و ... این سیر بانکداری را داریم که بانک‌هایی هستند که با قانون تأسیس می‌شوند به نوعی می‌شود گفت بانک‌هایی هستند که دولتی هستند و قانونگذار مجوز تأسیس آن‌ها را می‌دهد و اصولاً این جنس بانک‌ها کمتر نیاز به نهاد صنفی دارند تا بخواهند از طریق آن اهداف‌شان را دنبال کنند دهه‌ی ۳۰ یا دهه‌ی ۴۰ بحث بانکداری خصوصی در کشور رونق می‌گیرد بانک‌های خصوصی زیادی در کشور ایجاد می‌شوند ما سال ۳۴ لایحه‌ی قانونی بانکی را داریم سال ۳۹ قانون بانکی و پولی را داریم سال ۵۱ قانون پولی و بانکی کشور را داریم می‌شود گفت هر ۶ یا ۷ سال ما قانونی را داریم با مبحث بانک که بیشتر اساس شکل‌گیری آن‌ها برمی‌گردد به تأسیس بانک‌های جدید یا مقررات ناظر بر ورود بانک‌های خارجی یا بانک‌های مشترک در کشور ما این نشان می‌دهد که فضای بانکداری دولتی که ما در سال ۱۳۰۰ داشتیم کاملاً تغییر می‌کند و فضا بر می‌گردد به سمت تکثیر بانک‌های خصوصی وقتی تعدد و تکثیر بانک‌های خصوصی را داریم قاعدتاً بحث نهادهای صنفی هم به عنوان رکن الزامی فعالیت بانک‌های خصوصی کنار آن می‌آید. ردپای این تغییرات را در مقررات می‌بینیم یعنی اگر در لایحه قانونی بانکداری سال ۳۴ هیچ اثری از این مطلب نیست اگر در قانون پولی و بانکی سال ۳۹ هیچ نشانی از آن نیست در قانون پولی و بانکی سال ۵۱ ما مبینیم که قانونگذار ماده‌ی ۳۸ را به تأسیس کانون بانک‌ها اشاره می‌کند و در همان قانون ردپای کانون بانک‌ها را می‌بینید ۱: مدیرعامل کانون بانک‌ها به عنوان یکی از ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار و بعد حضور یک نماینده از کانون بانک‌ها در هیأت انتظامی بانک‌ها موضوع قانون پولی و بانکی کشور است. به نظر من این نشان می‌دهد فضا تغییر کرده و قانونگذار شرایط جدید را درک کرده است. یعنی حالا که فضای حضور بانک‌های خصوصی است بنابراین شرایط را باید طوری تلطیف کرد که این بانک‌ها در تصمیم‌گیری‌ها نیز حضور داشته باشند و ایفای نقش کنند.

اما این تغییر و تحولات با انقلاب سال ۵۷ متوقف می‌شود از این باب که لایحه‌ی قانونی ملی شدن بانک‌ها را داریم که اصولاً موضوعیت فعالیت کانون بانک‌ها را بی‌اثر می‌کند و در این زمان نقشی که از کانون بانک‌ها انتظار داریم را قانونگذار به شورای عالی بانک‌ها واگذار می‌کند.

این سیر را ما از سال ۵۸ داریم تا سال ۷۴ که استارت تأسیس اولین موسسه اعتباری زده می‌شود و تا سال ۷۹ که ما اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی را داریم و این باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای الزامات شد زمانی که بانک‌های خصوصی را داریم قاعدتاً این‌ها نیازمند فضایی هستند تا با یکدیگر به گفت‌وگو و هم‌نظری پردازند و وظایفی که از یک نهاد صنفی انتظار می‌رود در قالب یک regulator یا controller در واقع این‌ها مفاهیمی هستند که از یک نهاد صنفی حتی در شکل ابتدایی انتظار می‌رود این وظایف را این نهاد انجام دهد و این نهاد شکل گرفت در کنار این بانک‌های دولتی هم احساس نیاز کردند که یک شورای هماهنگی باید وجود داشته باشد.

**ماهنامه: میزان اثرگذاری و نقشی که این نهادهای صنفی در کنار بانک مرکزی ایفا می‌کنند، چقدر است و چگونه می‌توانند به شبکه بانکی کمک کنند. چه چالش‌هایی پیش روی این نهادهاست؟**

**عبده تبریزی:** در طی دوره‌ای این سازمان‌ها که مردم‌نهاد هستند، به حکم قانون ایجاد شده‌اند. در برخی صنوف در ایران این نهادها را می‌بینیم و به‌ویژه نهادهای حرفه‌ای به حکم قانون ایجاد شده‌اند: مانند وکلا، پزشکان و ... که در جریان زندگی مدنی نقش آفرینی کرده‌اند. در جامعه‌ی مدرن مفاهیم خیلی تغییر کرده است. به‌ویژه مفهوم «صنف» به عنوان یک NGO تا به عنوان یک نهاد غیردولتی و مردم‌نهاد ساختاری دارد که به طور دائمی در حوزه‌های منافع مشترک صنف کار می‌کند، و وارد حوزه‌ی رقابت اعضای صنف نمی‌شود. مثلاً، همه‌ی بانک‌ها خواسته‌ی عمومی و مشترک در مقابل قانونگذار دارند. برای مثال، می‌خواهند نظام حسابداریشان، از جمله نظام‌های معتبر جهانی باشد. در مقابل قانونگذار موضع می‌گیرند. اگر یکی از مواد لایحه مربوط به بانک‌ها را مانع ببیند، می‌خواهند قبل از این که تبدیل به قانون شود، آن را اصلاح کنند. اما در هیچ جای دنیا، صنف بانک نمی‌گوید چقدر حقوق بدهید تا همه آن را پرداخت کنند؟ یا از این فراتر، در مورد نرخ‌گذاری با هم مشورت نمی‌کنند. خلاف است که در صنف بنشینند و نرخ تعیین کنند. قطعاً خلاف است، مخصوصاً برای کشوری که شورای رقابت هم دارد.



این‌ها مسائلی است که بر بستر آن و در آن فرهنگ، کانون شکل گرفت؛ کانون بنا به آن شرایط شکل گرفت. بانک‌ها مشتریان متفاوتی دارند و چارچوب فعالیت متفاوتی دارند. از ابتدای انقلاب ما ساختار صنف مردم‌نهاد نداشته‌ایم و در آغاز انقلاب، طبق قانون و براساس مصوبه‌ی شورای انقلاب، کانون بانک‌ها منحل شد و موقعیتی هم که در شورای پول و اعتبار داشت، از دست رفت و امروز مستقیم نماینده‌ای در شورای پول و اعتبار ندارد. طبیعی است کانون فعلی می‌تواند تقویت شود، یعنی مبتنی بر مبانی جدیدی پایه‌گذاری شود، اما گرایش مقام‌های ناظر در ایران این است که به هر شکلی که شده، این را هم تحت کنترل خود درآورند. مثلاً، قانون مدرنی که در سال ۸۴ تصویب شد، وجود بسیاری از نهادهای صنفی را به رسمیت شناخت. بر طبق آن قانون، هرگونه نهادی می‌تواند فعالیت کند، ولی می‌بینیم عملاً به سرمایه‌گذاران حقیقی اجازه و پانگرفت. بنابراین، این گرایش در مقام‌های نظارتی وجود دارد که سازمان مردم‌نهاد تشکیل شده را تحت کنترل درآورند و با خود هماهنگ کنند تا سازمان مشابهی ایجاد نشود موقعیت مقام ناظر به خطر نیفتد.

#### **ماهنامه: شاید یکی از چالش‌های توسعه‌ی نهادهای صنفی، نگاه تمرکزگراست؟**

**عبده تبریزی:** اولاً در طول ۴۰ سال اخیر، تشکل نهاد صنفی در جهان مفهوم دموکراتیک‌تری به خود گرفته است، و مردم نهادتر شده است. نمونه‌اش همین تشکل فیلمسازان در ایران است که گرایش مستقل از دولت دارند. در مورد بانک این‌گونه نیست که تشکل صنفی بتواند کاملاً مستقل از دولت و بانک مرکزی عمل کند، چون در حوزه‌ی منافع عمومی فعالیت می‌کند و می‌بایستی الزامات مقام ناظر را رعایت کند. البته همه ما کنترل نهاد ناظر را جایز می‌دانیم و از هر اقتصاددانی هم پرسید، از بانک مرکزی انتظار دارد در بحث نظارت، بسیار قوی‌تر از این عمل کند.

به هر حال، کانون بانک‌ها می‌تواند نهادی خودانتظام باشد. اگر خودش را توانمند کند، بدیهی است بانک مرکزی هم حوزه‌های نظارتش محدودتر می‌شود.

باید تعریف جدیدی از کانون بانک‌ها هبه مثابه‌ی تشکل صنف داشته باشیم که شامل همه‌ی بانک‌ها باشد و تقسیم‌بندی غیردولتی و دولتی نداشته باشد. این صنف که در صنعتی فعالیت می‌کند که با وجوه عمومی سروکار دارد، مسائل و حوزه‌های مشترکی دارد که صنف می‌تواند به آن‌ها پردازد. متأسفانه در وضعیتی هستیم که نظام بانکی دائماً تحت فشار است؛ وجودش و نوع وجودش مورد اعتراض قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی نهادهای پایدار بلندمدت بخش خصوصی هم

سخت شکل می‌گیرد. بخشی از ضعفی که باعث شد نتوانستیم در این دوره کانون صنفی جدی تشکیل دهیم این است که در سطح بالاتری از قانون، فعالان و دارندگان قدرت غیرقانونگذار مانند کسانی که در چارچوب فقهی عمل می‌کنند با در چارچوب قضایی فعالیت می‌کنند، دائماً نهاد بانک را در شرایط ناپایداری قرار می‌دهند. در چنین شرایطی دستگاه صنفی قدرتمند کمتر می‌تواند شکل بگیرد.

**بهشتی روی:** مشکلات نظام بانکی ما فراوان است. یکی از مواردی که در حال حاضر کانون بانک‌های غیردولتی دنبال می‌کند این است که در بخش نامه‌ها و رویه‌هایی که می‌خواهد اعلام شود بانک مرکزی سؤال می‌کند اما نقطه‌نظرات را که ارائه می‌شد بنا به مجموعه‌ای از قدرت‌هایی که بانک مرکزی در بالای سر خود دارد قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند. یعنی یکی از نقش‌های اصلی کانون بانک‌ها می‌تواند در تسهیل رویه‌ها سرعت بخشیدن به این رویه‌هاست اما در خیلی از موارد به این دلیل که بانک مرکزی استقلال لازم را ندارد خیلی از تصمیم‌گیری‌ها اجبار می‌شود.

برای مثال ما در چارچوب قانون عملیاتی بانکی بدون ربا برای عقود مختلف فرمت‌های مختلف قرار دادی داریم یک ارکانی دارد که این یکی است مثلاً یک پروژه ۱۰۰۰ میلیاردی با یک پروژه ۱۰۰ میلیونی ویژگی‌های مختلفی دارند، نمی‌توان با یک فرمت ثابت این فعالیت‌ها را انجام داد.

این نهاد وجود دارد اظهار نظر کارشناسی هم می‌کند اما بانک مرکزی و قدرت آن در شورای پول و اعتبار بسیار کم است. لذا ما اعتقاد داریم کانون بانک‌ها باید دارای اراده و قدرت باشند و خودشان بتوانند در زمینه‌های مختلف کارشناسی داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشند اما اینکه می‌گویید در دیگر کشورها مانند کانون بانک‌های آفریقای جنوبی یکی از ارکان اصلی در پیاده‌سازی بال ۲ است. خودش کمیته‌های تخصصی تشکیل می‌دهد و بانک مرکزی زمانی که بخواهد عملیاتی کند از آنها مشورت می‌گیرد. از این کانون خواسته می‌شود وقتی آن‌ها جلسه تشکیل می‌دهند خرجی این جلسات انتظام بخش و اثرگذار بر سیستم بانکی آن کشور است. در کشورهای دیگر مانند ترکیه برای مثال کانون آن کشور وظیفه‌ی آموزش را برعهده دارد. نحوه‌ی رای دادن در آن کانون مشخص بود. رای دادن براساس total asset است. کانون بانک‌ها هر سه ماه به سه ماه یک فصلنامه‌ای از صورت‌های مالی بانک‌ها در یک سطح استاندارد منتشر می‌کرد. در هر جایی بنا به شرایط اختصاصی درجه‌ی پیشرفت اقتصادی درجه‌ی تاثیر گذاری باعث ایجاد اختیارات و مسئولیت‌های مختلف می‌شوند.

## ماهنامه: ساختار آفریقای جنوبی و ترکیه را توضیح دهید لطفاً؟

**بهشتی روی:** برای مثال ترکیه یک مجمع سالانه دارند هیأت مدیره‌ای دارند هیأت عاملی دارند و کمیته‌های تخصصی دارند در چارچوب قوانین تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد قانون بانکی ترکیه یک قانون دینامیک است اگر موردی پیش می‌آید در مورد آن تصمیم‌گیری می‌کنند و اصلاحیه می‌زنند این‌گونه نیست که بگذارند ۱۵ سال از آن بگذرد بعد آن را تغییر دهند نظر خواهی می‌شود.

مثلاً در آلمان اتحادیه بانک‌های پس‌انداز و وام‌دهنده متفاوت هستند با نگرش و ساختار و وظیفه‌ی کاملاً مشخص. اما ما در قانون بانک‌های غیردولتی سه کشور را که شباهت نزدیک‌تری با سیستم بانکی ما دارند را در نظر گرفته‌ایم کره جنوبی، ترکیه و آفریقای جنوبی هم را مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

ساختار سازمانی برای این مورد تنظیم شده است در جلسات مطرح شده است تا آن را گسترش دهیم چند کمیته مانند مالی و حقوقی روی این مورد کار می‌کنند. این‌ها مانند خیلی از موارد دیگر چون سیستم بانکی قدرت لازم را ندارد طبیعتاً قانون هم این قدرت را ندارد. آخرین نکته این که خیلی از جاها مطرح می‌شود که بانک‌ها جلسه‌هایی را برگزار می‌کنند برای تعیین نرخ بانکی. خیر. اینجا در حق بانک‌ها ظلم می‌شود با زدن این حرف. این نرخ‌ها از بالا به آن‌ها دیکته می‌شود. بانک‌ها تنها مجری مصوبات و شیوه‌هایی هستند که به آن‌ها داده شده است. اصولاً بنده اعتقاد ندارم که نرخ سود نرخ دیکته‌ای باشد. اگر دیکته‌ای باشد از حالت تعادل خارج می‌شود ما نرخ‌های مختلفی داریم که اگر دستوری این‌ها باشد آن نیروی جاذبه را از تعادل خارج کرده‌ایم.

**امین آزاد:** ما قبل از انقلاب یک پروسه‌ی ۱۲ ساله سه قانون در بحث بانکداری داشتیم، اگر خاطرات دکتر یگانه رئیس کل سابق بانک مرکزی را مطالعه کنید به خوبی بیان داشته‌اند که این قانون پولی و بانکی سال ۵۱ در آن مقطع ضعیف است. نظارت کافی را ندارد و جاهایی باید با لابی کار نظارت را پیش ببرد یعنی نشان می‌دهد در همان مقطع اگر انقلاب هم رخ نمی‌داد این قانون برای آن دوره ضعیف بود. ما بعد از انقلاب بحث نظارت فراموش شد یعنی داستان نهاد ناظر عمدتاً فعالیت هایش محدود شد به اینکه آیا اعتباراتی که تخصیص شد به هر یک از بانک‌ها به خوبی به جای خودش می‌رسد و اینکه بانک ثبات و سلامت داشته باشد موضوع کار نظارت بانک مرکزی بود. ۱۶ سال قانونگذار اجازه داده است که بانک‌های

غیردولتی فعالیت کنند گذشته است در این ۱۶ سال با بزرگترین اتفاقات را در بحث نظارت در دنیا داشته‌ایم یعنی از ضوابط بال ۱ بال ۲ بال ۳ همه رشد پیدا کرده‌اند قوانین نظارتی بسیار تغییر کرده است. برای مثال اگر نهاد نظارتی دستور می‌دهد فلان سهامدار از بانک خارج شود این مورد برای بانکداران ما قابل هضم نیست. این مطلب ساده پیش و پا افتاده ایست که در قانون بانکداری افغانستان و ترکیه هم هست. نهاد ناظر ما به هیچ وجه در بحث نظارت موثر پیشرفت نکرده است و فکر می‌کنم این عدم پیشرفت در بخش‌های دیگر هم هست. نهادهای صنفی ما هم به همین گونه است یعنی قدرت نهاد صنفی که در آلمان وجود دارد و به قدرتمندی بافین عمل می‌کند این را ما هم نداریم یعنی چیزی که از نهادهای صنفی‌مان انتظار داریم بسیار پایین‌تر از آن چیزی است که حتی در قوانین فعلی‌مان برای اتحادیه‌های صنفی معمول پیش‌بینی شده است.

برای مثال شما اگر شکایتی از یک پارچه فروش داشته باشید لازم نیست به سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان مراجعه کنید اگر شکایت‌تان را به اتحادیه صنف پارچه‌فروشان ببرید در مدت زمان بسیار کمی بازرس مراجعه می‌کند و بسیار هم قدرتمندتر از آن نهادی است که به موجب قانون ایجاد شده است. این به این دلیل است که اختیارات قانونی خاص دارد. به خاطر این که جاهایی می‌تواند لغو مجوز کند یا پروانه مجوز را ابطال کند. کاری که نهادهای صنفی ما اصلاً به آن ورود نمی‌کنند چیزی که بانک مرکزی باید دستور آن را ابلاغ کند یعنی قاعده‌ی رسیدگی به مشتریان‌تان این است و نهاد صنفی آن را پیگیری کند در صورتی که از نظر من یک نهاد صنفی باید این کار را انجام دهد ولی اصلاً ورود نمی‌کند. به نظر من نهادهای صنفی بانکی ما در همان مرحله‌ی جنینی هستند. زمانی که من سمت مدیریت کل مقررات را برعهده داشتم این رویه را بنا گذاشتم که هر مقررات جدیدی که می‌خواهد پایه‌گذاری شود ما از این دو نهاد صنفی بانک‌ها استعلام کنید آن زمان مخالفت‌هایی هم به وجود آمد که این اختیارات خودمان است و نباید آنها را در بحث تنظیم مقررات ورود دهیم. ما در بین خودمان این را قبول داریم که این نهادها هر چقدر قدرتمندتر باشند به بانک مرکزی بیشتر کمک خواهند کرد، ولی بازخورد و خروجی که از این‌های صنفی می‌آمد فوق‌العاده ضعیف بود. از این نظر می‌توان گفت نهادهای صنفی‌مان به آن حد از بلوغ نرسیده‌اند و نهادهای ناظر هم به آن جایگاه نرسیده‌اند.

**ماهنامه: چه نگاهی باید به آینده وجود داشته باشد؟**

**عبده تبریزی:** به نظر من مقررات بین‌المللی بعد از ۲۰۰۲ تغییرات اساسی کرده است. الان نیاز داریم قانون نظام بانکی اصلاح شود و باید مجموعه قوانین معقولی را عرضه کرد که با تحولات بین‌المللی منطبق باشد. همه معتقدیم بانک مرکزی، نظام بانکی و نهاد صنفی بانکی ضعیف‌اند و همه این‌ها با هم ارتباط دارند. مشکلات زیادی داریم که باید رفع شوند. تا آنجا که اطلاع دارم دو نهاد صنفی و علمی بانکداری به دنبال مجوزاند؛ نهادهایی که باید از وزارت علوم مجوز بگیرند. تنوع تشکل‌های مردم‌نهاد در عرصه‌ی بانکداری به کشور کمک خواهد کرد.

**بهشتی روی:** صحبتی کردند در مورد اتحادیه پارچه‌فروشان؛ همان‌ها به موجب قانون شکل گرفته‌اند همان‌ها به موجب قانون تاسیس شده‌اند این انتظار نادرست است از کانون بانک‌ها که چنین وظایفی به آن تفویض نشده است اگر اتحادیه دندانپزشکان تجربی یا هر صنف دیگری این‌ها به موجب قانون تصویب شده‌اند.

**ماهنامه:** این نکته مهمی است که باید از محفل قانونی به این مقوله نگاه کرد.

**بهشتی روی:** اتحادیه بانک‌های خصوصی یا کانون بانک‌های غیردولتی باید به موجب قانون تأسیس شود و به موجب قانون اختیارات بگیرد نمی‌تواند خودجوش گردهم بیایند خودش جوش تصمیم بگیرند و انتظار داشته باشند یک قدرت فائده‌ای داشته باشند و آن تصمیمات را اجرا کنند کسی حرف آن‌ها را گوش نمی‌دهد اما آنجایی که اثرگذار هستند اختیاراتشان را از قانون می‌گیرند وقتی اختیاراتشان را از قانون می‌گیرند می‌توانند به خوبی عمل کنند و می‌توانند در راستای یکدیگر باشند با بانک مرکزی، لزومی ندارد که مقابل بانک مرکزی باشند الان بر سر یکسری مسائلی که نه کارشناسی و نه منطقی در آن وجود دارد این‌ها مقابل یکدیگرند. خیلی از موارد را همکاران بانک مرکزی قبول دارند اما نمی‌توانند کاری انجام دهند. لذا برای آینده باید در همین لایحه قانون بانکداری که مطرح است، لازم است تشکیل کانون بانک‌های کشور پیش‌بینی بشود، حداقل به همان قانون اصناف مراجعه شود و ببینند چه اختیاراتی به آن‌ها داده‌اند.

**ماهنامه:** کانون این مطالعه را داشته است که در اکوسیستم بانکی جایگاه نهاد صنفی اختیارات آن و در

**چه حوزه‌هایی باید نقش آفرینی کنیم؟**

**بهشتی روی:** اصولاً تشکیل این جلسات مشترک کانون بانک‌های دولتی و غیردولتی بر همین اساس بوده است زمانی که جناب سیف به بانک مرکزی آمدند هنوز این اتفاقات نیافتاده بود. این‌ها قرار شد که گرد هم بیایند و مسائل مشترکشان را

با یکدیگر حل بکنند و در سیر تکمیلی خودشان تبدیل به کانون بانک‌ها شوند. حتی بحث‌های مختلفی شد یکی مطرح می‌کرد آن مصوبه شورای انقلاب را که به موجب آن کانون بانک‌ها لغو شده است یعنی به موجب ماده قانون ۳۸ که اشاره شد را ماده‌ای ارائه دهیم تا این ماده‌ی انحلال لغو شود. خیلی تحولات و تغییرات در این ۴۰ سال گذشته اتفاق افتاده است که طبعاً در آن کانون بانک‌های سابق دیده نشده است.

## **ماهنامه: شما نحوه‌ی عمل کانون و ساختار تشکیلاتی آن را به دولت جدید ارائه دادید تا در لایحه‌ی جدید بگنجانند؟**

**بهشتی روی:** خیر این داده نشده است. به دلیل اینکه تاکنون هر چه بوده است بر سر مسائل و رویه‌های جاری بحث می‌شود. این کار قرار شده است در جلسات مشترک کانون‌ها مطرح شود ولی آنقدر تنوع مسائل زیاد است که یک بار ما مواجه شدیم با طرح قانونی آن طرح را که بسیار انرژی برهم بود نقطه‌نظر دادیم قرار بود در کمیسیون اقتصادی مجلس مطرح شد که جلوی آن گرفته شد. در همان جا هم پیشنهاد تشکیل کانون بانک‌ها مطرح شد و طبیعتاً در لایحه‌ی جدید هم اخیراً برای نظرخواهی ارسال شده است مطرح شده است.

کانون بانک‌های کشور در آن زمان یک قانون خاص داشته است. بنابراین جزئیات شامل انتظارات از این کانون اختیاراتی که این کانون دارد باید در اساسنامه‌اش قید شود و رعایت شود به تصویب برسد و به آن این اختیارات را داد.

## **ماهنامه: این کانون باید چه ساختاری داشته باشد و اینکه کلیات این ساختار در قانون و جزئیاتش در اساسنامه ذکر شود چگونه است؟**

**امین آزاد:** بخشی از اهدافی که ما از وجود کانون بانک‌ها مستحضریم در وضعیت فعلی هم می‌تواند محقق شود، یک بخش دیگر امکان‌پذیر نیست و نیاز به قانون دارد. مثلاً اتحادیه صنف پرده‌فروشان اختیاراتش را بر اساس قانون نظام صنفی می‌گیرد آنجا حکم داده می‌شود که به موجب آن این اتحادیه‌ها دارای اختیارات نظارتی و ... هستند براساس آن شکل می‌گیرد و اختیاراتش هم منبث از آن قانون است خب ما این مجموعه از کارها را نمی‌توانیم از قانون بانک‌های خصوصی و یا شورای هماهنگی بانک‌ها متصور بشویم چون به محض ورود هر بانکی اولین سوالش این است که این مطلبی که مطرح کردی به چه اختیاری می‌گویید؟ براساس تفاهم شاید بتوان مجموعه‌ای کارها را پیش برد اما یک جاهایی یک پاور نظارتی

نیاز دارد که این قدرت را باید کسی واگذار کرده باشد منتها یک بخشی امکان‌پذیر است و آن بخشی که امکان‌پذیر است همین دادن ایده‌ها و طرح‌هایی است که هیچ ممنوعیتی برای آنها وجود ندارد. من مطلبی را بیان کنم که مشغول آن بودم در این چند ساله ایده‌ای را ندیدم که از نهاد صنفی بانک‌ها بیاید و روی میز ما قرار بگیرد، که ما آن را ناب بدانیم مثلاً مانند همان نهاد صنفی بانک آفریقای جنوبی قواعد بال ۳ نحوه‌ی اجرایی شدن و پیچیدگی‌ها و سازوکار اجرایی شدن را ارائه داده اند. بال ۳ که آقای بهشتی روی آن را بیان داشتند. در مورد خیلی از موضوعات مثلاً دستورالعمل حساب جاری را که ۱۸ ماه روی آن کار کردیم ما سه ۴ ورژن آن را از کانون نظر خواستیم برای تکمیل کردن تصورم بر این بود که اگر ماده ۱۴ قانون مطرح نبود خود کانون باید آن را پیش می‌بردند و این را بیان می‌داشتند که ما خودمان باید این اختیار را داشته باشیم که برای چه کسی حساب باز کنیم و برای چه کسی نکنیم ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها را تعیین کنیم. می‌خوام بگویم این قاعده را خود بانک‌ها به صورت خود انتظام جلو می‌بردند. در این چارچوب مجموعه‌ای از موضوعات است که به عنوان نیاز می‌تواند از درون آن مجموعه بجوشد برای مثال بیان دارند که فلان مشکل را دارند و برای حل آن راه کاری را ارائه دهند و آن را به بانک مرکزی بیان دارند تا از اقتدار نظارتی استفاده کند و این طرح را پیش ببر این امر هیچ ایرادی هم ندارد اتفاقاً می‌تواند کمک‌کننده باشد، از باب اینکه از برآیند کار کارشناسی سیستم بانک‌ها استفاده کند من حقیقتاً این چنین حرکاتی را از سوی کانون ندیدم.

مثلاً در بحث کانون بانک‌ها چون من اتفاقاً متولی کاری بودم که به عنوان ماده واحده فرستادیم زمانی که دکتر شبیانی رئیس بانک مرکزی بودند ما به عنوان بانک مرکزی بیان داشتیم که آقای دکتر شبیانی لازم است که یک نهاد صنفی باشد و مزایای این نهاد را برای ایشان برشمردیم که ایشان نامه‌ی ماده واحده تاسیس کانون را امضا کند و به وزیر اقتصاد پیگیری کردیم من فکر می‌کنم لزوم پیگیری تشکیل کانون بانک‌ها از سوی اداره مطالعات نباید پیگیری می‌شد و بعد زمان آقای مظاهری و بعد آقای بهمنی پیگیری کنیم. این درخواست اصلاً از دل کانون بانک‌های خصوصی به ما نرسید ما خودمان با مطالعات خودمان احساس نیاز به وجود این کانون کردیم.

**بهشتی روی:** زمان ۸۳ کلا سه بانک وجود داشتند کانون به این ترتیب وجود نداشتند زمانی که ما به این سه بانک که گردهم می‌آمدن و تنها جلسات درونی برگزار می‌کردند به عنوان بانک پنجم پیوستیم اولین جلسه‌ای که ما رفتیم اواخر ۸۴ و

یا اوایل ۸۵ دعوی بین بانک پارسیان و سه بانک دیگری بود سر مشکلاتی که بانک مرکزی به وجود می آورد از همان سال تا سال ۹۲ نظام بانکی درگیر بخش نامه‌های صادر از بانک مرکزی بوده است مسائلی که درگیری بی‌مورد ایجاد می‌کرد برای بانک و این فرصت را می‌گرفت برای ایجاد تشکل و یا هر بستر دیگری.

اولاً رفع مشکلات بخش نامه‌های بانک مرکزی یکی از موانع قانون بود دوم این که پیشنهاد تصویب لایحه‌ای برای انحلال قانون حذف قانون از دل همین جلسات قانون بیرون آمده بود.

**ماهنامه: برای جمع‌بندی این را تشریح نمایید که در حال حاضر بدون نگاه به گذشته اینکه چطور رفتار کنیم دو فرض وجود دارد اینکه اگر قانون نباشد با این شرایط فعلی چطور می‌شود اثرگذارتر بود و اگر هم قانون بود چه نگاهی می‌شود کرد؟**

**بهشتی روی:** قانون جدید اختیاری ندارد. در حال حاضر فعالیت قانون با توجه به شرایط فعلی بنابر gentleman agreement است.

**امین آزاد:** بحث فرم‌های یکنواخت مواردی است که به آن اعتراض کردند و به درستی این اعتراض صورت گرفت واقعیت این است که این شرایط برآیند تصویب قانون بهبود کسب کار است که براساس آن شورای پول و اعتبار بانک مرکزی را مکلف به انجام این کار کرده است. جالب است که آن قانون بهبود فضای کسب‌وکار ریشه‌اش از اتاق بازرگانی یعنی ایده‌ی اولیه‌ی آن از نهادهای بخش خصوصی آمده است و ما می‌توانیم همه جای دنیا بانک‌های خصوصی یک بخش اساسی آن نهادهای بخش خصوصی هستند. شاید بزرگ‌ترین بخش نهادهای خارج از کشور همان نهاد بانک‌های خصوصی است. قدرتمندترین آن‌ها هم بانک‌های خصوصی هستند منتها ما نمی‌بینیم اصول به بازی گرفته نمی‌شوند این بانک‌ها اصولاً از بانک‌های خصوصی استفاده نمی‌کنند برای تنظیم قانون‌های بانکی. نه تنها نظر آنها خواسته نمی‌شود بلکه به نظر من اصلاً نظرش هم موثر نیست. در بانک مرکزی اعتقاد به وجود و حضور یک چنین کانونی برای انجام امور مربوط به صنفی لازم و ضروری است و نمی‌توان آن را انکار کرد و حتماً هم باید اختیارات قانونی داشته باشند. ولی با توجه به شرایط فعلی خیلی از کارها را می‌توانسته انجام دهد اما یا نخواست یا نتوانسته پیش رود.



**بهشتی روی:** وقتی قانون بانک‌های خصوصی تشکیل می‌شود در آن حلقه‌ی ۴ بانک اولیه خصوصی دبیر کل این قانون یک همکار بازنشسته‌ی بانک مرکزی انتخاب می‌شود به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری بیشتر و همچنین کارشناسان آن هم همکاران بانک مرکزی بودند این به این معناست که این قانون در نظر داشت ارتباط تنگاتنگی با بانک مرکزی برقرار نماید. ضمناً اساسنامه‌ای که از همان ابتدا برای قانون تصویب شده بود خیلی محدود بود بین ۴ بانک حتی بحث هیأت انتظامی داخل آن دیده شده بود. اساسنامه‌ی قانون بانک‌های سابق را با توجه به شرایط جدید با ایده‌های نو تغییر دادیم سر این مقوله مطالعات بسیاری صورت می‌گیرد تا در چارچوب قانون قرار گیرد و برای فعالیت هر چه بهتر قانون بانک‌ها ارائه گردد.